

An Elaboration on the Decisions of the Supreme Council of Cyberspace in the Light of the Principle of the Need to Provide Reasons for Administrative Decisions

Amin Banazadeh Ardabili

PhD student in Public Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Ali Hajipour Kondroud

Assistant Professor, Department of Law, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran (Corresponding Author) Email: Hajipour62@yahoo.com

Abolfazl Ranjbari

Assistant Professor, Department of public Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

10.71488/cyberlaw.2025.1126348

Keywords:

Supreme Council of Cyberspace, the principle of the need to provide reasons for administrative decisions, components, challenges

Abstract

The Principle of the Need to Provide Reasons for Administrative Decisions is one of the new concepts of administrative law and is considered as one of the most important principles of good administration. However, the fact is that most of the discussions in this area are focused on the concept and foundations of the mentioned principle, and the review of the approvals of the country's rule-making institutions in the light of the mentioned principle has not received much attention. Based on this, considering the unique position of this principle in administrative law, examining the various aspects of the approvals and decisions of the country's administrative institutions within the framework of the principle of the need to provide the reasons for the decisions is an inevitable necessity. In this regard, in this article, using the descriptive-analytical method and the use of library tools, the principles and elements of the discussed principle have been analyzed with an approach to the approvals of the Supreme Council of Cyberspace as one of the most important institutions of the country in the field of cyberspace. Based on the findings and results of the present study, in the approvals of the Supreme Council of Cyberspace, minimal attention has been paid to the elements and components of the discussed principle, and therefore, the principle of the need to provide reasons for administrative decisions has been found to be one of the neglected principles in decision-making and norm adoption processes of the mentioned council. Despite the fact that the decisions of the said institution have moved away from the criteria and standards of rule-making in modern administrative law, it makes the necessity of revising and amending the existing rules by looking again at the components and elements of the discussed principle even more inevitable.



This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license:

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

تاملی بر تصمیمات شورای عالی فضای مجازی در پرتو اصل لزوم ارائه

دلایل تصمیمات اداری

امین بناءزاده اردبیلی

دانشجوی دکتری تخصصی حقوق عمومی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

علی حاجی پور کندرود

استادیار گروه حقوق، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول)

پست الکترونیک: Hajipour62@yahoo.com

ابوالفضل رنجبری

استادیار گروه حقوق عمومی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۱ مهر ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۲۳ تیر ۱۴۰۳

چکیده

اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری، از مفاهیم نوین حقوق اداری بوده و یکی از مهم ترین اصول اداره خوب محسوب می گردد. با این حال واقعیت این است که عمده مباحث این حوزه بر مفهوم و مبانی اصل مذکور متمرکز بوده و بررسی مصوبات نهادهای قاعده ساز کشور در پرتو اصل مذکور چندان مورد توجه قرار نگرفته است. بر این اساس با توجه به جایگاه بی بدیل این اصل در حقوق اداری، بررسی ابعاد مختلف مصوبات و تصمیمات نهادهای اداری کشور در چهارچوب اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات یک ضرورت اجتناب ناپذیر است. در این راستا در مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از ابزار کتابخانه ای، مبانی و عناصر اصل مورد بحث، با رویکردی بر مصوبات شورای عالی فضای مجازی به عنوان یکی از نهادهای مهم کشور در حوزه فضای مجازی مورد تحلیل قرار گرفته است. بر پایه یافته ها و نتایج مطالعه حاضر، در مصوبات شورای عالی فضای مجازی به طور حداقلی به عناصر و مولفه های اصل مورد بحث توجه شده و بر این اساس اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری از اصول مغفول در مقام تصمیم سازی و قاعده گذاری شورای عالی فضای مجازی بوده است. این امر علیرغم این که تصمیمات نهاد مذکور را از معیارها و استانداردهای قاعده گذاری در حقوق اداری نوین دور ساخته است، ضرورت بازنگری و اصلاح قواعد موجود را با نگاهی مجدد به مولفه ها و عناصر اصل مورد بحث بیش از پیش اجتناب ناپذیر می نماید.

واژگان کلیدی: شورای عالی فضای مجازی، اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری، مولفه ها، چالش ها

مقدمه

اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری از اهمیت ویژه‌ای در تصمیمات اداری برخوردار است. اسناد حقوقی متعددی در اتحادیه اروپا به لزوم اجرای این اصل در تصمیم‌گیری‌ها پرداخته‌اند. در این راستا معاهده استقرار جامعه اروپایی^۱ در ماده ۲۵۳ خود مقرر داشته است. «دلایل و مبانی آئین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و تصمیمات مصوب توسط پارلمان و شورای اروپا می‌بایست بیان گردد». همچنین بند ۲ ماده ۲۹۶ معاهده عملکرد اتحادیه اروپا^۲ مشعر بر ارائه مبانی و دلایلی است که اعمال حقوقی بر آن استوار گشته‌اند. مهم‌تر از این دو سند، با درج این اصل در ماده ۴۱ منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا^۳، این اصل جزء حقوق اساسی شهروندان شناسایی شده است. در این ماده آمده است. «حق بر اداره خوب شامل حق بر شنیده شدن قبل از هراقدام فردی که ممکن است بر او تاثیر زیان‌بار داشته باشد، حق دسترسی به پرونده خود با رعایت منافع محرمانه شغلی و اسرار حرفه‌ای و الزام اداره به ارائه دلایل تصمیماتش می‌باشد». این اصل در زمره اصول رفتار خوب اداری نیز قرار گرفته و از اهمیت بسزایی برخوردار است. ماده ۱۸ قانون رفتار خوب اداری اتحادیه اروپا^۴ بیان می‌دارد. «تصمیم از سوی مؤسسه که ممکن است به طور منفی بر حقوق یا منافع یک شخص حقیقی تأثیر بگذارد، باید دلایل آن را که بر اساس آن بر پایه مدرک‌های مرتبط و پایه‌های قانونی تصمیم گرفته شده است، به وضوح بیان کند. مسئول مربوطه باید از تصمیم‌گیری‌هایی که بر دلایل خلاصه یا مبهم استوار هستند یا شامل استدلال فردی نمی‌شوند، پرهیز کند. اگر به دلیل تعداد زیاد افرادی که تصمیمات مشابه را مورد بررسی قرار داده‌اند، امکان ارائه دقیق دلایل تصمیم وجود نداشته باشد و به همین دلیل پاسخ‌های استاندارد ارسال شود، پس از آن مسئول می‌بایست به شهروندی که به صراحت درخواست کرده است، با ارائه دلیل‌های فردی، پاسخ دهد». با این اوصاف اهمیت اصل مذکور مشخص می‌شود. با این حال مسئله مهم آن است که اجرای مطلوب این اصل در گرو توجه به مبانی و عناصر اصل مذکور است. با این حال در نظام حقوقی ایران به دلیل نبود یک قانون جامع در خصوص اعمال اداری، این اصل در تمام تصمیمات اداری مورد توجه نبوده و صرفاً در برخی از قوانین و مقررات به آن توجه گردیده است. رویه قضایی دیوان عدالت اداری نشان دهنده توجه قضات دیوان به این اصل می‌باشد. شعب دیوان در آراء متعدد به اصل ارائه دلایل تصمیمات استناد نموده و اجرای آن را برای مراجع اداری ضروری دانسته‌اند. در همین راستا اهمیت پژوهش حاضر در آن است که جایگاه اصل لزوم ارائه دلایل تصمیم‌گیری‌های اداری را در تصمیمات شورای عالی فضای مجازی به عنوان یکی از مهم‌ترین شوراهای تصمیم‌گیر کشور که به منظور سیاست‌گذاری در امور مرتبط با فضای مجازی با حکم مقام رهبری فعالیت خود را از سال ۱۳۹۰ آغاز نموده است مورد بررسی قرار دهد. به این ترتیب مقاله حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش است که مصوبات شورای عالی فضای مجازی تا چه اندازه به اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری توجه شده است؟ فرضیه نویسندگان آن است که در تصمیمات شورای عالی فضای مجازی چندان به عناصر و مولفه‌های اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری توجه نشده است و همین امر تصمیمات نهاد مذکور را از نقطه نظر رعایت اصول اداره خوب قابل انتقاد ساخته است.

در خصوص سابقه پژوهش نیز، بررسی‌های نویسندگان نشان از آن دارد که موضوع مقاله در هیچ تحقیق مستقلی مورد بررسی قرار نگرفته و مقاله حاضر از این جهت دارای نوآوری خاص است. با این حال در خصوص شورای عالی فضای مجازی و نیز اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری هر کدام به شکل مستقل تحقیقاتی به شرح ذیل انجام شده است.

حاجی‌پور کندرود و عظیم‌زاده در مقاله‌ای با عنوان «گردش آزاد اطلاعات و تداخل صلاحیت‌ها در رویه شورای عالی فضای مجازی» ضمن اشاره به آزادی گردش اطلاعات در محیط مجازی، نقش شورای عالی فضای مجازی را در تبیین قوانین مرتبط با محیط مجازی مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده‌اند که شورای عالی فضای مجازی با همکاری سایر قوا و سازمانها

1. The Treaty Establishing the European Community
2. The Treaty on the Functioning of the European Union
3. The Charter of Fundamental Rights of the European Union
4. The Right to Good Administration

امور مرتبط را ساماندهی می‌نماید و برای صیانت از قانون اساسی و حفظ حقوق بشر و آزادی‌های عمومی و همچنین به منظور بهبود عملکرد شورا، مصوبات آن به مجلس و عنداللزوم شورای نگهبان ارسال شود تا در صورت مغایرت با قوانین بالادستی اصلاح و ابلاغ گردد (حاجی‌پور کندرود و عظیم‌زاده، ۱۴۰۲: ۳۲).

در مقاله‌ای دیگر با عنوان «پایبندی نهادهای سیاست‌گذار به حدود مفهومی سیاست با نگاهی به امکان سنجی نظارت قضایی بر آن (مطالعه موردی شوراهای عالی انقلاب فرهنگی و فضای مجازی)» که توسط جلالی و سازگاری به رشته تحریر در آمده است، به واکاوی مفهوم، ویژگی‌ها و سطوح سیاست پرداخته و حدود سیاستگذاری این شوراها را به صورت منجز روشن ساخت‌اند تا از این رهگذر، حدود نظارت قضایی دیوان بر مصوبات این نهادها شفاف گردد. از سویی، با ذکر مواردی چند از عملکرد این شوراها و ارزیابی آن به این نتیجه رسیده‌اند که در موارد متعدد، این شوراها به سیاست‌گذاری پایبند نمانده‌اند و به حدود قانون یا مقرر و ورود کرده‌اند که این امر لزوم وجود نظارت قضایی را بر این نهادها بیش از پیش آشکار می‌نماید (جلالی و سازگاری، ۱۳۹۹: ۶۱).

پیرنیا و ابریشمی راد در مقاله‌ای با عنوان «نظارت بر مصوبات شورای عالی فضای مجازی در نظام حقوقی ایران» به بررسی شورای عالی فضای مجازی و مقررات الزام آور متعددی که در عرصه فضای مجازی به تصویب رسانده و موجد حقوق و تکالیف متعدد برای شهروندان شده است، پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که با رفع موانع و توجه به ضرورت نظارت بر این مصوبات باید زمینه نظارت مردم، فقهای شورای نگهبان، مقام رهبری و دیوان عدالت اداری بر مصوبات این شورا فراهم شده و رویه‌های خلاف اصلاح گردند (پیرنیا و ابریشمی راد، ۱۴۰۱: ۹۱).

در مقاله‌ای با عنوان «اصل لزوم به ارائه دلایل تصمیمات اداری در پرتو مفهوم اداره خوب: مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا» که توسط رضایی زاده و عطریان نوشته شده است، به بررسی محدوده و مبانی اصل و سپس تطبیق و مقایسه جایگاه آن در نظام حقوقی اتحادیه اروپا و ایران پرداخته شده و این نتیجه حاصل شده است که اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری در اتحادیه اروپا یکی از شاخصه‌های اداره خوب بوده و مقامات اداری مکلف به بیان ادله و مبانی تصمیمات خود هستند اما در نظام حقوقی ایران این اصل در برخی قوانین و آرای قضایی دیوان عدالت اداری مطرح شده و به صورت موردی مقامات اداری به بیان تصمیمات خود مکلف شده‌اند (رضایی زاده و عطریان، ۱۳۹۳: ۳۷).

۱. مبنای تشکیل، ساختار و جایگاه مصوبات شورای عالی فضای مجازی کشور

شورای عالی فضای مجازی نهادی است که به منظور سیاست‌گذاری در امور مرتبط با فضای مجازی با حکم مقام رهبری در اسفند ماه سال ۱۳۹۰ تشکیل شده است. در این حکم با اشاره به گسترش فزاینده فناوری‌های اطلاعاتی به ویژه اینترنت و آثار چشمگیر آن در ابعاد زندگی فردی و اجتماعی، و لزوم سرمایه‌گذاری وسیع و هدفمند در جهت بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌های ناشی از آن در جهت پیشرفت همه جانبه کشور و ارائه خدمات گسترده و مفید به اقشار گوناگون مردم، به ضرورت برنامه‌ریزی و هماهنگی مستمر به منظور صیانت از آسیب‌های ناشی از آن اشاره شده و به وجود نقطه کانونی متمرکزی برای سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و هماهنگی در فضای مجازی کشور تاکید می‌گردد. به این مناسبت شورای عالی فضای مجازی کشور با اختیارات کافی به ریاست رئیس جمهور تشکیل می‌گردد و لازم است به کلیه مصوبات آن ترتیب آثار قانونی داده شود. توجه به چند نکته اهمیت شورای عالی فضای مجازی را بیش از پیش نمایان می‌سازد؛ اولاً این شورا به ریاست رئیس جمهور که طبق اصل یکصد و سیزدهم دومین مقام رسمی کشور است، تشکیل می‌گردد. ثانیاً روسای دو قوه دیگر در آن عضویت دارند. ثالثاً به دلیل اهمیت و پیچیده بودن فضای مجازی و موضوعات مرتبط با آن، مقام رهبری دستور تشکیل آن را به صورت مجزا و در قالب شورای عالی و خارج از قوه سه‌گانه علی‌الخصوص قوه مجریه و وزارت ارتباطات و فن آوری اطلاعات داده‌اند. با این حال صلاحیت این شورا سیاست‌گذاری است نه قانون‌گذاری و مقام رهبری نیز در متن حکم تشکیل شورا به مصوبه بودن تصمیمات

شورا اشاره نموده و خواستار ترتب آثار قانونی بر آن شده‌اند. علاوه بر آن در بند یک قسمت دوم ماده چهار اساننامه مرکز ملی فضای مجازی کشور که طبق دستور مقام رهبری به وسیله شورای عالی فضای مجازی کشور به منظور اشراف کامل و به روز نسبت به فضای مجازی در سطح داخلی و جهانی و تصمیم‌گیری نسبت به نحوه مواجهه فعال و خردمندانه کشور با این موضوع از حیث سخت افزاری، نرم افزاری و محتوایی تشکیل می‌گردد، به سیاست‌گذاری و برنامه ریزی در خصوص فضای مجازی کشور اشاره دارد. با گذشت حدود یک دهه از فعالیت شورای عالی فضای مجازی و با بررسی مصوبات آن، تداخل این مصوبات با صلاحیت قوای حکومتی مبرهن می‌گردد. تعدد مراجع در یک نظام حقوقی امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد؛ اما در یک نظام حقوقی مطلوب نهادهای خاص به ظایف امور مرتبط با خود پرداخته و در کار ویژه نهادهای دیگر مداخله نمی‌نمایند چراکه باعث آشفتگی نظام حقوقی می‌گردد. باین‌حال شورای عالی فضای مجازی در مواردی وارد صلاحیت سایر نهادهای حقوقی شده است (حاجی‌پور کندرود و عظیم‌زاده، ۱۴۰۲: ۱۰).

در خصوص مبنای قانونی تشکیل شورای عالی فضای مجازی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که حاکی از اختلاف نظر در این مورد است. گروهی بر مبنای نظریه ولایت فقیه در نظام جمهوری اسلامی ایران قایل به حکم حکومتی بودن آن هستند. حکمی که کلیه تصمیمات حاکم جامعه اسلامی در خصوص ابعاد مختلف اداره امور جامعه اسلامی در راستای اجرای عدالت اجتماعی و قوانین الهی با ملاحظه مصلحت جامعه اسلامی اتخاذ می‌گردد (اسماعیلی، ۱۳۸۲: ۱۶۳). و در تعریف فقهی آن، تصمیماتی است که ولی امر در سایه قوانین شریعت و رعایت موافقت آن‌ها بر حسب مصلحت زمان اتخاذ نموده و بر اساس آن ضوابطی وضع و اجرا می‌نماید. مقررات مذکور مانند احکام شریعت لازم‌الاجرا هستند؛ با این تفاوت که قوانین آسمانی، ثابت و غیر قابل تغییراند، اما مقررات وضعی قابل تغییر بوده و در ثبات و بقاء تابع مصلحتی هستند که آن‌ها را به وجود آورده است (طباطبایی، ۱۳۴۱: ۸۳). در مقابل گروهی دیگر، آن را ناشی از اختیارات رهبری در تعیین سیاست‌های کلی نظام مندرج در اصل یکصد و دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قلمداد می‌نمایند. بر این اساس مبنای حقوقی تشکیل شورای عالی فضای مجازی را اختیارات حاصل از اصل یکصد و دهم و در راستای سیاست‌های کلی نظام حاکم بر فضای مجازی دانسته‌اند (انصاری، ۱۳۹۹: ۴۵). شایان ذکر است عده‌ای نیز آن را عرف اساسی ذکر نموده‌اند (آگاه و درخشان، ۱۳۹۸: ۱۸) سیاست‌های کلی نظام از جنس احکام حکومتی نیستند چون احکام حکومتی از فرامین شرعی نشأت می‌گیرند، ولی سیاست‌های کلی با داشتن ویژگی پایداری، آینده نگری و فراگیر بودن، بیان‌کننده آرمان‌ها، ارزش‌ها، فرهنگ و تمدن در زمینه‌های اعتقادی، اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، سیاسی، علمی و غیره هستند (موسی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۷۳). از طرفی با لحاظ ماهیت سیاست‌های کلی، نمی‌توان آن را مبنای ایجاد یک نهاد حکومتی دانست، چراکه هدف از سیاست‌های کلی، سیاست‌گذاری در بخش‌های مختلف جامعه می‌باشد. اما در خصوص تشکیل شورای مذکور بر اساس عرف اساسی با توجه به قرارگیری نظام حقوق کشور در جرگه کشورهایی که تابع نظام رومی-ژرمنی می‌باشند، این نظریه قابل تامل می‌باشد. در نظام جمهوری اسلامی ایران، حکومت و زمامداری جامعه به معنای ولایت بیان گردیده و شخص حاکم را ولی مسلمین و یا ولی امر می‌نامند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصل پنجم زمامداری اول را بر عهده ولایت امر قرار داده (هاشمی، ۱۴۰۰: ۴) و طبق اصل پنجاه و هفتم رهبر به عنوان مقام حاکم بر کل امور و شئون کشور نظارت، اشراف و سلطه همه جانبه تشریعی، تنفیذی و قضایی دارد (صالح احمدی، ۱۴۰۲: ۴۸۹). بنابراین مبنای تشکیل شورای عالی فضای مجازی مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی بر پایه حکم حکومتی است.

لازمه بررسی لزوم اعمال اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری در شورای عالی فضای مجازی کشور، در گرو آشنایی با تمام ارکان تصمیم‌گیرنده این شورا می‌باشد. به این دلیل به طور مختصر به این ارکان می‌پردازیم. شورای عالی فضای مجازی کشور بر اساس حکم تشکیل، موظف به ایجاد مرکز ملی فضای مجازی گردیده است. این مرکز وظیفه دارد تا با اشراف کامل و به روز نسبت به فضای مجازی در سطح داخلی و جهانی و تصمیم‌گیری نسبت به نحوه مواجهه فعال و خردمندانه کشور با این موضوع از حیث سخت افزاری، نرم افزاری، و محتوایی در چارچوب مصوبات شورای عالی و نظارت بر اجرای دقیق تصمیمات در همه

سطوح تحقق انجام وظیفه کند. این مرکز در واقع بازوی اجرایی شورای عالی است. برای انجام وظایف و تکالیف محوله مرکز ملی فضای مجازی طبق ماده ۹ اساسنامه، مرکز می‌تواند جهت تصمیم‌سازی و تحقق مصوبات شورای عالی، کمیسیون‌هایی ایجاد نماید. در بدو تاسیس سه کمیسیون با نام‌های کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی کشور که وظیفه تنظیم سیاست‌ها، نظارت، هدایت، هماهنگی و تصویب مقررات و آئین‌نامه‌های کلان در همه ابعاد فضای مجازی در چارچوب مصوبات شورای عالی را بر عهده دارد، کمیسیون عالی ارتقای تولید محتوا که وظیفه تصمیم‌سازی، نظارت و سیاست‌گذاری در حوزه ارتقا و تولید محتوا را در فضای مجازی کشور عهده دارد است، و کمیسیون عالی امنیت فضای مجازی کشور که وظیفه صیانت از زیرساخت‌های اساسی، مواجهه با تهدیدهای فضای مجازی، ساماندهی امنیت فضای مجازی کشور، مدیریت تشخیص حملات سایبری و دفاع از زیرساخت‌های حیاتی در برابر حملات سایبری را بر عهده دارد، تشکیل گردید. همه این ارکان و کمیسیون‌ها به دلیل تصمیم‌سازی و تاثیر تصمیمات اتخاذی در حقوق مردم در فضای مجازی می‌بایست نسبت به ارائه دلایل تصمیمات خود جزء در موارد استثنایی اقدام نمایند.

۲. بررسی مفهومی اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات

اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات^۱ به معنای تعهد مقامات اداری به توجیه و تبیین دلایل و استدلال‌های قانونی و منطقی واری تصمیمات و اقدامات خود است. بر اساس این اصل، مقامات اداری موظف به ارائه دلایل موجه و قانونی منجر به تصمیمات و اقدامات آن‌ها، به طرف متاثر از آن هستند. این اصل به منظور افزایش شفافیت، اعتبار و عدالت در فرایند تصمیم‌گیری اداری اجرا می‌شود (Wilberg, 2019: 9). این اصل دارای دوجنبه مهم قانونی و منطقی است. قانونی یا مستند بودن تصمیم یعنی فن ارائه دلایل، استدلال‌ها و تحلیل‌هایی که برای حمایت از یک تصمیم، استفاده می‌شود. این ویژگی مرتبط با استفاده از اطلاعات صحیح و قابل اعتماد است که به پشتوانه قوانین و مقررات مربوط، در توجیه اقدامات اداری مورد استفاده قرار می‌گیرد. مستدل بودن استفاده از اصول عقلی در استدلال می‌باشد که مبتنی بر ارتباط منطقی بین مبانی قانونی و استنتاج تصمیم است. بنابراین مستند بودن شامل مبانی قانونی تصمیم و مستدل بودن توجیه استفاده از آن مبانی است. تصمیم‌گیرندگان باید نشان دهند چگونه تصمیماتشان با ارزش‌ها و اصول اساسی سازگار هستند که این امر موجب می‌شود تصمیمات، قابل ارزیابی و نظارت شده و مخاطب تصمیم، از مبانی قانونی و توجیهات منطقی تصمیم آگاهی یابد (Bell, 2019: 23).

اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات با استثنائاتی نیز روبرو می‌باشد. در تصمیماتی که مطلوب شهروند است، تصمیمات به امور داخلی اداره مربوط باشد و با حقوق مردم مرتبط نباشد، در مواردی که امنیت ملی یا حمایت از منافع عمومی اقتضا نماید و در مواردی که به دلیل فوریت، فرصت بیان مبانی نباشد (هداوند، ۱۳۹۱: ۲۰۷). با این حال در تسری دایره استثنائات به قلمرو اصل ارائه دلایل می‌بایست تفسیر مضیق نمود.

۳. اهمیت و آثار اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات

بیان دلایل تصمیمات از جانب مقامات عمومی از اهمیت بالایی برخوردار است. هرگاه شهروند از مقام اداری بخواهد که مبانی تصمیم را بیان نماید، اداره مکلف به بیان آن خواهد بود. این امر به ویژه در تصمیماتی که حقوق و منافع شهروندان را تحت تاثیر قرار می‌دهد، تصمیماتی که برخلاف رویه معمول و سابق اداری اتخاذ می‌شود، تصمیماتی که از حد ضرورت خارج می‌شود و به ویژه تصمیماتی که با استفاده از صلاحیت‌های اختیاری اتخاذ می‌شوند، لازم و ضروری است (هداوند و مشهدی، ۱۳۹۵: ۲۰۶).

اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات در حقوق اداری دارای اهمیت‌های چندگانه‌ای است از جمله:

۱. تضمین عدالت و انصاف: ارائه دلایل تصمیمات به افراد ذینفع، اطمینان می‌دهد که تصمیمات مربوط به آن‌ها با انصاف و عدالت اتخاذ شده‌اند و از هر گونه تبعیض یا تعصب به دور هستند.

1- The principle of the obligation to state the reasons for decisions

۲. افزایش شفافیت: ارائه دلایل تصمیمات، باعث افزایش شفافیت در فرایند تصمیم‌گیری شده، افراد را قادر می‌سازد تا فرایند تصمیم‌گیری را بهتر درک کنند.

۳. تقویت اعتماد عمومی: ارائه دلایل تصمیمات، اعتماد عمومی به نظام قضایی و اداری را تقویت نموده و افراد را قادر می‌سازد، دلایل را بررسی کرده و از صحت تصمیمات اطمینان حاصل نمایند.

۴. تسهیل در بررسی قضایی: ارائه دلایل تصمیمات، فرایند بررسی قضایی را تسهیل می‌نماید، زیرا دادگاه‌ها می‌توانند از دلایل موجود برای ارزیابی صحت تصمیمات استفاده کنند.

۵. تقویت اصول حقوق بشر: ارائه دلایل تصمیمات، بازتاب اصول حقوق بشری مانند حق دادرسی منصفانه و رعایت این اصول توسط ادارات می‌باشد.

۶. افزایش مشارکت عمومی: تکلیف به بیان دلایل تصمیم، مشارکت عمومی را که یکی از مولفه‌های نظام‌های دموکراتیک است تقویت می‌کند. وقتی مردم می‌دانند که تصمیمات و اقدامات حاکمیت به چه دلیلی اتخاذ می‌شوند و چگونه تصمیم‌گیری می‌شود، احساس اطمینان بیشتری در مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری دارند. از طرف دیگر، مشارکت عمومی همچنین می‌تواند بهبود شفافیت و ارائه دلایل توسط حاکمیت را تشویق کند، زیرا حاکمیت نیاز دارد تا با مشارکت مردم توضیحات و دلایل خود را برای تصمیماتشان ارائه کند تا حمایت عمومی را بدست آورد (Criag, 1994:17-19).

به طور کلی، اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات در حقوق اداری نه تنها به افزایش شفافیت و اعتماد عمومی کمک می‌کند، بلکه از اهمیت بسزایی برای تضمین عدالت، حقوق بشر، اصول قانونی و افزایش مشارکت عمومی برخوردار است.

۴. ماهیت تصمیمات شورای عالی فضای مجازی و توجیه اعمال اصل

جایگاه فرا قوه‌ای، مبنای حقوقی تشکیل و دارا بودن اثر قانونی مصوبات شورای عالی فضای مجازی موجب پیچیدگی ماهیت حقوقی تصمیمات شورا گردیده است. براین اساس تبیین موقعیت مصوبات شورا در سلسله مراتب هنجارهای حقوقی امری ضروری است. این امر موجب تعیین مرتبه مصوبات شورای عالی فضای مجازی در رده‌بندی قواعد حقوقی شده و مقدمه ضروری اعمال اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری در تصمیمات شورا می‌باشد.

در این راستا توجه به چند نکته مهم، ضروری است: اولاً تصمیمات شورای عالی فضای مجازی قانون نیست چرا که توسط نهاد قانون‌گذاری کشور یعنی مجلس شورای اسلامی اتخاذ نمی‌گردد و مراحل شش‌گانه وضع و به اجراء در آمدن قانون یعنی پیشنهاد قانون، تصویب قانون، تأیید قانون، امضای قانون، انتشار قانون و گذشت مدت زمان معین از انتشار قانون را طی نمی‌نماید. ثانیاً مقام رهبری در قسمت آخر حکم تشکیل شورای عالی فضای مجازی تصمیمات آن را مصوبه نامیده‌اند. ثالثاً در قسمت دوم بند دو ماده چهار اساس‌نامه مرکز ملی فضای مجازی در بیان وظایف آن به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اشاره شده است. رابعاً تبصره دو ماده دوازده قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۴۰۲/۰۲/۱۰ تصمیمات شورا را با عنوان مصوبه ذکر نموده و چنان‌که قانون‌گذار آن را هم سنگ با قانون می‌داند، نیازی به مستثنی نمودن آن از نظارت قضایی نبود، چرا که در نظام حقوقی ایران شکایت از قانون پیش‌بینی نگردیده است. خامساً «علاوه بر نهادهای مذکور در اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر نهادهای حاکمیتی دیگری هم به وضع مقررات می‌پردازند. یکی از این نهادها شورای عالی فضای مجازی است. برتری مصوبات شورای عالی فضای مجازی بر سایر نهادهای اداری و هیئت وزیران در عمل سلسله مراتب میان مقررات را خدشه‌دار نموده و دیوان عدالت اداری نیز در آراء متعدد خود این برتری را تضمین نموده است» (آقای طوق و لطفی، ۱۴۰۱: ۷۰). بر این اساس تصمیمات شورای عالی فضای مجازی داخل در حلقه مقرره‌ها می‌باشد. مقررات به معنای مصوبات مراجعی غیر از مجلس، مهم‌ترین منبع حقوق اداری از نظر کمی است و بیشترین حجم از اقدامات ماموران عمومی بر مبنای مقررات اداری انجام می‌پذیرد (آقای طوق و لطفی، ۱۴۰۱: ۶۰). برتری مصوبات شورای عالی فضای مجازی نیز ماهیت مصوبه‌ای آن را از بین نمی‌برد.

فرا قوه‌ای بودن شورای عالی فضای مجازی و خروج ساختاری آن از ساختار اداری قوه مجریه به معنای اداره نبودن آن نیست. این شورا با صلاحیت‌ها و تکالیفی که بر اساس سند تاسیس و آئین‌نامه داخلی خود دارد در راستای تامین منافع عمومی و برقراری نظم عمومی در مسائل مرتبط با فضای مجازی کشور فعالیت می‌نماید. بر این اساس شکی وجود ندارد که مصوبات شورای عالی فضای مجازی مقرر و مصوبه و به عبارت دیگر تصمیم اداری می‌باشند و با این وصف تابع اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری قلمداد می‌شوند. اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری در ساختار حقوقی و اداری ایران مورد توجه قرار گرفته و در تصمیمات اداری و قضایی به آن توجه می‌شود، بنابراین تصمیمات شورای عالی فضای مجازی به عنوان مصوبات اداری می‌بایست با رعایت مبانی و عناصر اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری اتخاذ گردد.

۵. مبانی اصل در مصوبات شورای عالی فضای مجازی

اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات یک مفهوم ترکیبی قابل تجزیه به عناصر و مولفه‌های متعدد است و تنها در صورت تحقق همه مولفه‌ها و عناصر و الزامات مذکور می‌توان شاهد تحقق کامل این امر بود. برای درک بهتر این اصل می‌بایست به بررسی اصول بنیادی تری پرداخت. شالوده اصل را می‌توان در «اصل حاکمیت قانون»^۱ یافت، با این حال، «شفافیت»^۲ و «حق دفاع»^۳ از دیگر مبانی تشکیل دهنده این اصل بوده و اصول دیگری چون، «اصل استماع»^۴ «حق دسترسی به پرونده»^۵ «حق دسترسی به اسناد»^۶ و «اصل تناسب»^۷ از دیگر اصول حقوق اداری نوین در ارتباط با اصل مورد بحث می‌باشند. علاوه بر این اصول توجه به دو عنصر موثر بودن و منطقی بودن دلایل تصمیمات برای درک صحیح از اصل و کاربرد آن در تصمیمات شورای عالی فضای مجازی لازم و ضروری است.

۵-۱. اصل حاکمیت قانون

قانون مجموعه ضوابط عامی است که توسط مقامات صلاحیت دار تدوین می‌شود، به تنظیم روابط افراد و جامعه و دولت می‌پردازد و برای همگان به طور مساوی ایجاد حق و تکلیف می‌کند. «اصل حاکمیت قانون» یکی از اصول مهم حقوقی است که بر اساس آن انجام کلیه امور سیاسی، اداری، قضایی و اتخاذ هر گونه تصمیم از طرف مقامات و مسئولان باید بر طبق قانون باشد. حکمت این اصل، در جلوگیری از استبداد و «اقدام خودسرانه»^۸ از سوی حکام و صاحب منصبان عالی و کارگزاران منصوب آنان در اداره امور و برخورد با شهروندان می‌باشد (هاشمی، ۱۳۹۱: ۲۹۸).

قانون بر اصول شناخته شده و عمومی قابل اجراء تکیه دارد. با شرایط برابر برای همه افراد، از این رو قانون برتر است و برای دولت و همه مقامات آن الزام‌آور بوده و آنها را مقید می‌کند (stein, 2009: 299). مقامات اداری در اتخاذ تصمیمات و انجام اقدامات آزاد نبوده و مکلف به احترام و رعایت کلیه قواعدی هستند که بر آنها حکومت دارد. این اصل، اداره را به تبعیت از قواعد حقوقی وادار می‌کند و بیانگر آن است که غیر از اطاعت مردم از قانون، بایستی تمام تصمیمات و اقدامات مأموران دولتی نیز منطبق با قوانین باشد (Stott and Felix, 1997: 22). اصل حاکمیت قانون در حقوق اداری مبنای تشکیل، تصمیم‌گیری و فعالیت اداره می‌باشد که در پرتو آن صلاحیت مقامات اداری تعیین و محدوده آن نیز معین می‌گردد (رحمانی، ۱۳۹۹: ۱۷۶). مبنای تشکیل، تصمیم‌گیری و فعالیت شورای عالی فضای مجازی حکم حکومتی مقام رهبری است. سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا حکم حکومتی می‌تواند مبنای قانونی تشکیل شورای عالی فضای مجازی باشد؟ برای پاسخ به این سوال می‌بایست به تصریح اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که کلیه قوانین و مقررات را بر اساس موازین اسلامی دانسته و بر

¹. Rule of Law

². Transparency

³. Right of defense

⁴. Principle of Hearing

⁵. Access to File

⁶. Access to Documents

⁷. Proportionality

⁸. Arbitrary Action

اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم می‌داند توجه نمود. به عبارت دیگر اصل چهارم با اعلام حکومت حقوق اسلامی بر اطلاق یا عموم همه قوانین، آن الزام اخلاقی و ارزشی را به تکلیف حقوقی تبدیل نموده است (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۳۹). همان‌گونه که بیان گردید، مبنای قانونی تشکیل شورای عالی فضای مجازی حکم حکومتی رهبری بوده و علاوه بر آن شورا در اتخاذ تصمیمات خود می‌بایست از مفاد آئین‌نامه داخلی که به استحضار مقام رهبری رسیده است تبعیت نماید. شورای عالی فضای مجازی بر اساس این دو سند وظیفه سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و هماهنگی جهت دستیابی به اهداف پیشرفت همه جانبه کشور و ارائه خدمات گسترده و مفید به اقشار گوناگون مردم در مورد فضای مجازی را بر عهده دارد. همچنین نحوه تشکیل جلسات، ترکیب اعضای حقیقی و حقوقی و چگونگی ابلاغ مصوبات می‌بایست بر اساس اسناد مذکور انجام گیرد. علاوه بر این ایجاد دبیرخانه، تشکیل کمیسیون‌ها به تعداد لازم، تشکیل شورای معین و مهم‌تر از همه ایجاد مرکز ملی فضای مجازی کشور از دیگر وظایف و اهداف شورای عالی فضای مجازی می‌باشد. برای تشخیص جایگاه اصل قانونی بودن در روند تصمیمات شورای عالی فضای مجازی می‌بایست بین صلاحیت‌های تکلیفی و تخییری آن قایل به تفکیک شد. در اموری که شورا مطابق حکم تشکیل و در راستای آن عمل می‌نماید، صلاحیت از نوع تکلیفی است و در مواردی که کلیات آن بیان شده و شورا در جزئیات با چند گزینه قانونی برای اتخاذ تصمیم مواجه است، صلاحیت از نوع اختیاری است. مقامات اداری علی‌الاصول در حیطه صلاحیت‌های تکلیفی مرتکب «خروج از صلاحیت»^۱ نمی‌شوند اما در صلاحیت‌های تخییری یا گزینشی به دلیل تعدد موارد قانونی و امکان انتخاب، خروج از صلاحیت حادث می‌گردد. با تدقیق در مصوبات شورای عالی فضای مجازی در طول فعالیت یک دهه اخیر این شورا به مواردی از خروج از صلاحیت و ورود به صلاحیت سایر قوا مشاهده می‌گردد. براین اساس خروج از صلاحیت در تصمیمات شورای عالی فضای مجازی در دو سطح قابل بررسی می‌باشد. ابتدا خروج از صلاحیتی که موجب ورود ضرر به شهروندان می‌گردد و چنان‌که گذشت طبق تبصره ۳ ماده ۱۲ قانون دیوان عدالت اداری در صورتی که مصوبات شورا خارج از حدود صلاحیت آن نباشد، قابل شکایت در دیوان نمی‌باشد. گرچه از نظر مبنایی، طبق اصل سی و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید...» و در یک نظام حقوق اصل بر این است که هیچ یک از اعمال و رفتار زمامداران نباید خارج از قواعد از پیش تعیین شده و فراتر از ساز و کارهای نظارتی قرار گیرد (گرچی، ۱۳۸۷: ۱۸۸). به نظر می‌رسد این موضوع نافی حق مراجعه شهروندان به دادگاه‌های عمومی بر اساس اصول سی و چهارم و یکصد و پنجاه و نهم قانون برای تظلم خواهی نسبت به مصوبات این شورا نباشد (درویشوند، ۱۴۰۲: ۷). در سطح دوم مغایرت تصمیمات شورای عالی فضای مجازی با دیگر مصوبات دولتی و قانون اساسی می‌باشد. چنان‌که ذکر شد هیئت عمومی دیوان عدالت اداری برتری مصوبات شورای را تضمین نموده و در رای شماره ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ مورخ ۱۳۹۳/۰۸/۲۵ مصوبه شورای عالی اداری را به دلیل مغایرت با مصوبه شورای عالی فضای مجازی ابطال نموده است. از طرفی در راستای تأیید ضرورت نظارت دیوان عدالت اداری بر مصوبات شورای عالی فضای مجازی می‌توان به امکان مغایرت این مصوبات با قانون اساسی یا قوانین عادی یا ایجاد تداخل در سلسله مراتب هنجاری و نظم حقوقی کشور به واسطه مصوبات این شورا اشاره کرد. برای نمونه، در بند ۱ مصوبه شماره ۱ جلسه ۵۳ مورخ ۱۳۹۷/۷/۳۰ شورای عالی فضای مجازی با عنوان «تعیین تکلیف وظایف اجرایی شورای عالی انفورماتیک»، وظایفی که در قوانین مختلف برای مراجع دیگر شناسایی شده بود، به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات محول شد. بند ۳ این مصوبه با علم به مغایرت این مصوبه با قوانین جاری و ضرورت اصلاح آنها بیان داشته است: «تا زمان تصویب قوانین و مقررات اجرایی اصلاحی، در چارچوب بند ۱ اقدام شود. بنابراین اصل حاکمیت قانون با اوصاف مطروحه در مصوبات شورای عالی فضای مجازی با چالش جدی روبه‌رو می‌باشد.

^۱. Withdrawal of Competence

۲-۵. حق دفاع

حق دفاع به عنوان یکی از مفاهیم مرتبط با حق استماع مطرح است. حق دفاع شامل مجموعه‌ای از حقوق و تضمیناتی است که افراد را در مواجهه با اقدامات مختلفی که ممکن است بر حقوق و منافع آن‌ها تأثیر منفی بگذارد، حمایت می‌کند. این حقوق و تضمینات شامل فرصت برای ارائه دیدگاه و دسترسی به اطلاعات و مدارک مرتبط با اقدامات است (Ryan and Steve, 2023: 217). از این رو از، حق استماع و حق دسترسی به پرونده به عنوان دو پایه حق دفاع نام برده می‌شود.

اصل استماع به معنای فراهم کردن فرصت برای افراد سهیم در یک فرآیند اداری جهت ارائه دیدگاه‌ها در خصوص آن تصمیم متخذ است. این اصل بر تضمین تصمیم‌گیری منطقی، اجتناب از تصمیم‌گیری خودسرانه و اطمینان از اجرای صحیح قوانین و مقررات تأکید دارد. حق دسترسی به پرونده به عنوان دومین رکن حق دفاع، به افراد حق دسترسی به اسناد، اطلاعات و مدارک مرتبط با اقداماتی که بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد، را می‌دهد (Hillebrand, 2018: 20). با داشتن حق دسترسی به پرونده، افراد قادرند، مدارک لازم را برای درک دقیق‌تر موضوعات و اقدامات مرتبط با پرونده خود به دست آورده و نسبت به ارزیابی تصمیمات گرفته شده اقدام نمایند. همچنین از اطلاعات مرتبط با پرونده برای مقاصد قانونی، حقوقی و حفظ مصالح خود استفاده نمایند.

با بررسی آئین‌نامه داخلی شورای عالی فضای مجازی، اساس‌نامه مرکز ملی فضای مجازی و مصوبات تشکیل کمیسیون‌ها و ارکان تصمیم‌گیرنده آن هیچ ردپایی از اصول استماع و دسترسی به پرونده دیده نمی‌شود. شورای عالی و ارکان اجرائی آن تصمیماتی اتخاذ می‌نمایند که حقوق، آزادی‌های مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در جهان حاضر اهمیت فضای مجازی و استفاده اقتصادی و اجتماعی از آن حایز اهمیت است. هم‌چنان‌که در حکم تشکیل شورا به استفاده حداکثری از فرصت‌ها و بهره‌گیری حداکثری از آن اشاره شده است. یکی از راه‌کارهای شورای عالی فضای مجازی جهت نیل به اهداف مد نظری رهبری مشارکت دادن مردم در تصمیمات اتخاذی است. شورا به عنوان واحد اداری، نسبت به ارائه خدمات عمومی به شهروندان در راستای وظایف خود که همانا استفاده حداکثری از فضای مجازی است، تشکیل شده است. مع‌الاصف مقررات شورای عالی فضای مجازی و ارکان تصمیم‌گیر آن، به عنوان یک واحد اداری تصمیم‌گیرنده در تمام مسائل مربوط به فضای مجازی کشور، بدون قائل شدن حق دفاع و به تبع آن حق استماع و دسترسی به پرونده نسبت افرادی که از آن متضرر می‌شوند، راه کاری غیر از مراجعه مستقیم به مرجع قضایی آن هم با وجود مانعی چون تبصره ۳ ماده ۱۲ قانون دیوان عدالت اداری باقی نگذاشته است.

توجه به این نکته ضروری است که حق اعتراض به تصمیمات اداری در کنار سایر اصول کلی نظیر مشارکت، استماع و بی‌طرفی از عناصر اداره مطلوب محسوب می‌شوند. به عنوان قاعده کلی، کوتاهی در اجرای عدالت آئینی را باید با اجرای عدالت آئینی در مرحله‌ی تجدید نظر جبران کرد. این‌که تنها یک مرجع برای تصمیم‌گیری در خصوص حقوق افراد وجود داشته باشد، در سیستمی که هدف نهایی آن ایجاد تعادل میان منافع فردی و عمومی است، امری دور از ذهن خواهد بود. عدالت اداری با هدف اصلی حمایت از منافع فردی در برابر منافع عامّ وقتی محقق می‌گردد که فردی که در اثر آن تصمیم، منافع وی پایمال شده و اعتقاد به عدم تصمیم‌گیری صحیح مقام اداری دارد، بتواند از آن تصمیم تجدید نظرخواهی نماید. وجود تمام اصولی که بیان شد، باز هم خطر و احتمال اتخاذ یک تصمیم ناعادلانه را از بین نمی‌برد؛ زیرا که این اصول در مرحله‌ی بیان ضوابط قابل طرح است اما اجرای آن‌ها قطعی و حتمی نیست و از آن جا که تصمیم‌گیرندگان نیز انسان‌هایی جایز‌الخطا هستند، همواره امکان بروز اشتباه در هنگام تصمیم‌گیری و یا تجاوز به حقوق افراد از طریق عمومی وجود دارد. افراد باید بتوانند قبل از ورود به مرحله‌ی دادرسی و تظلم‌خواهی، (قبل از برهم خوردن توازن) از حقوق خود دفاع نمایند که این امر مستلزم وجود مراجع تجدید نظری است که امکان بازبینی تصمیمات اداری در آن‌ها وجود داشته باشد. بسیار دیده می‌شود که فرد از جلسه‌ی استماع و یا مشارکت در تصمیم‌گیری محروم مانده و باید این حق برای وی وجود داشته باشد تا بتواند در جلسه‌ی تجدید نظر مورد استماع و یا مشارکت قرار گیرد (کریمی، ۱۳۹۵: ۲۰۸).

۳-۵. اصل شفافیت

شفافیت از جمله اصول بنیادین در حقوق اداری است که از لوازم تحقق کامل آن، ارائه دلایل و مستندات تصمیمات اداری است، به طوری که این ادله مبین زوایای مختلف عمل اداری باشد و بر این اساس ضعف‌ها غفلت‌ها و اشتباهات مقام تصمیم گیرنده هویدا شود (عطریان، ۱۳۹۶: ۱۳۳). الزام مقامات اداری به بیان دلایل تصمیمات به ارتقای شفافیت تصمیمات اداری کمک شایانی می‌نماید. چنان‌که در بررسی مفهومی اصل به آن اشاره شد، ارائه دلایل تصمیم و روشن نمودن تمام جوانب و زوایا، مبنای قانونی و منطقی آن موجب آگاهی مخاطب تصمیم و شهروندان می‌گردد. شفافیت در تصمیم گیری و رویه تصمیم گیری اداره به افرادی که قصد بهره‌مندی از خدمات اداره را دارند کمک شایانی خواهد نمود.

اصل شفافیت در شورای عالی فضای مجازی کشور از دو بعد مختلف قابل بحث می‌باشد، شفافیت در تصمیمات و شفافیت در ابلاغ تصمیمات. شفافیت در تصمیمات به شفافیت در نحوه تصمیم گیری اشاره دارد در این معنا تصمیم بایستی به صورتی اتخاذ شود که تمام زوایا، فاکتورها و موارد دخیل در آن واضح و روشن باشد. بررسی مصوبات شورا موید این امر است که اگرچه مبنای قانونی تصمیم به شکل حداقلی مورد اشاره قرار می‌گیرد اما سایر زوایا و فاکتورهای تصمیم معمولاً مورد تصریح قرار نمی‌گردد. بنابراین در این خصوص اصل شفافیت به طور نسبی مورد توجه قرار گرفته است. به‌علاوه آئین‌نامه داخلی شورای عالی فضای مجازی کشور در مورد شفافیت در اعلان مصوبات، طبقه بندی حفاظتی را در پیش گرفته است. چنان‌که در ماده ۸ آئین‌نامه، مشروح مذاکرات شورا را دارای طبقه بندی حفاظتی دانسته و در تبصره ماده ۱۱ به انتشار عمومی مصوباتی که ضرورت دارد اشاره نموده و تشخیص ضرورت را بر عهده دبیر شورا گذارده است. با این حال مبرهن است که اعطای مسئولیت تشخیص صلاحیت انتشار مصوبات به یک مقام اداری و در قالب صلاحیت اختیاری در تعارض با اصول حقوق اداری قرار دارد. چرا که خروج از صلاحیت‌ها و اتخاذ تصمیمات خودسرانه بیشتر در صلاحیت‌های اختیاری روی می‌دهد. علاوه بر آن چارچوب قانونی برای نحوه تشخیص مقام اداری نیز وجود ندارد لاجرم این مهم را بایستی به رویه یا عرف اداری محول نمود. در ماده ۲۱ به سخنگو شورا را موظف می‌نماید گزارشی از مصوبات و مذاکرات را که دارای طبقه‌بندی عادی است، به نحو مناسب به آگاهی جامعه علمی و تخصصی کشور و افکار عمومی برساند. بر این اساس شفافیت در انتشار و ابلاغ مصوبات در مقررات شورای عالی فضای مجازی با محدودیت‌هایی روبرو است، با این حال چنان‌که این محدودیت‌ها در دایره استثنائات طرح شده بر اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری باشد، محل ایراد و اشکال نخواهد بود در غیر این صورت تخدیش اصل شفافیت به عنوان یکی از مبنای اصل ارائه دلایل تصمیمات اداری غیر قابل اجتناب خواهد بود.

حق دسترسی به اسناد یا آزادی اطلاعات یعنی هر یک از اعضای جامعه بتواند تقاضای دسترسی به اسناد و اطلاعاتی را داشته باشد که در یکی از موسسات عمومی و برخی موسسات غیر عمومی نگهداری می‌شود و آن موسسه جزء در موارد استثنایی و مشخص، اطلاعات درخواستی را در اختیار متقاضی قرار می‌دهد. با توجه به نزدیکی مفهوم این اصل با حق دسترسی به پرونده لازم است به صورت مجمل و صرفاً از دید اشخاص مشمول این اصول، تفاوت این دو اصل بیان گردد. حق دسترسی به پرونده مختص به مخاطب تصمیم و یا حداکثر ذینفع در آن می‌باشد اما اساساً در حق دسترسی به اسناد، نیازی به اثبات ذینفع بودن نیست و یک حق شهروندی محسوب می‌گردد که تمامی شهروندان می‌توانند بالسویه از آن بهره‌مند باشند (عطریان، ۱۳۹۶: ۲۵۹). دسترسی به اسناد در شورای عالی فضای مجازی به عنوان یک موسسه عمومی و بر اساس قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات یک تکلیف قانونی می‌باشد. بنابراین علاوه بر انتشار مصوبات شورای عالی فضای مجازی در روزنامه رسمی کشور و سایت اینترنتی این شورا، در صورت درخواست متقاضی اطلاعات درخواستی می‌بایست در اختیار وی قرار داده شود. با این حال به نظر می‌رسد سیاست طبقه بندی اسناد در شورا و تشخیص دبیر شورا برای انتشار مصوبات، مانعی در راه اجرای کامل این اصل و همچنین قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات باشد.

۶. عناصر اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری در مصوبات شورای عالی فضای مجازی کشور

اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات از دو عنصر موثر و منطقی بودن قوام می‌یابد. تا جایی که بدون توجه به ارائه دلایل مبنایی و استدلال منطقی، امکان استنتاج تصمیمی صحیح به طوری که در بردارنده تمام استانداردها و زوایای مورد بحث در اصل تکلیف به ارائه دلایل تصمیمات باشد، امکان پذیر نیست.

۶-۱. دلایل موثر

منظور از دلایل موثر و مستند، ارائه دلایل و توجیهات قانونی برای تصمیم‌گیری‌ها و اجرای قوانین و مقررات حقوقی است. بر این اساس تصمیم باید با استناد به اطلاعات و شواهد قوی ارائه شود. موثر بودن دلایل در اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات، یعنی ارائه دلایل قانونی و مبنایی که ارتباط مستقیمی بین تصمیم متخذه و موضوع تصمیم برقرار نموده و مبنای اصلی تصمیم را بیان نماید (Mashaw, 2021:3) دلایل موثر دلایلی هستند که تصمیم گیرنده بر آنها تکیه نموده و تصمیم خود را بر مبنای آن استوار می‌سازد.

هنگامی که تصمیماتی توسط اداره یا مقامات اداری در ارتباط با حقوق شهروندان اتخاذ می‌شود، ارائه مستندات در مورد تصمیمات همواره اجباری و از الزامات تصمیم‌گیری اداری است. بر این اساس عناصر و مولفه‌های مفهومی موثر یا مستند بودن دلایل را می‌توان به ترتیب ذیل توضیح داد:

۱. ارائه دلایل و مدارک قانونی و مقرره‌ای: تصمیمات اداری باید به صورت مستند و با ارائه دلایل و مدارک قانونی و قواعد عام-الشمول اتخاذ شوند تا اعتبار و قانونیت آنها تضمین شود.
۲. ارتباط دلایل با قوانین و مدارک موجود: دلایل ارائه شده باید به طور مستقیم با قوانین و مدارک موجود و فرایند تصمیم‌گیری مرتبط باشند (Hart ely, 1970: 1279).

شورای عالی فضای مجازی کشور، در مصوبات خود به طور معمول به مبنا و مستند قانونی آن اشاره می‌نماید. چنان‌که در مصوبه شماره ۱۰۸۱۱۹ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۲۹ در صدر مصوبه نوشته شده، در اجرای ماده ۱۱ آئین‌نامه داخلی یا در مصوبه ۱۰۷۵۱۸ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۰۹ به بند ۳، ۱ سند شرح وظایف و اختیارات کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی کشور استناد نموده‌اند. بر این اساس مولفه اول مستند بودن تصمیمات اداری یعنی ارائه دلایل و مدارک قانونی تا حد زیادی در مصوبات شورا مورد رعایت قرار می‌گیرد. اما مولفه دوم یعنی ارتباط دلایل با قوانین و مدارک موجود در اتخاذ تصمیم به صورت تحلیلی و ایجاد رابطه منطقی بین دلیل قانونی، موضوع و ارتباط این دو، در مصوبات شورا کم رنگ می‌باشد.

۶-۲. دلایل معقول

در شالوده حقوق اداری عقلایی بودن بیشتر به معنی منصفانه، متعادل و موجه است. با این توضیح که تصمیم یا عملی عقلایی است که دارای دلایل متقاعد کننده و مرتبط با اوضاع و احوال خاصی باشد (Farulla, 2006: 214). ایده معقول بودن مستلزم آن است که اولاً همه دلایلی که ممکن است مرتبط باشند در نظر گرفته شوند و ثانیاً یک تعادل با توجه به وزن یا اهمیت نسبی آنها با روشی وابسته به موضوع ایجاد شود. به این ترتیب، تعادل به عنوان جوهره معقولیت شناخته می‌شود: (Mac Cormick, 2005 173)

شورای عالی فضای مجازی کشور به عنوان ارائه دهنده خدمات عمومی در ارتباط با فضای مجازی، علاوه بر قواعد حقوقی که بر اساس آن‌ها اتخاذ تصمیم می‌نماید، طبق اصل معقولیت می‌بایست انصاف را نیز در مصوبات خود مد نظر قرار دهد. بر این اساس بدون رجوع به قاعده انصاف تصمیمات منصفانه‌ای گرفته نخواهد شد، هر چند تصمیمات قانونی باشند. نباید از یاد برد که حقوق اداری آمده تا از حقوق شهروندان در مقابل اداره با اقتدارات خاص آن دفاع کند. بنابراین هیچ اقدامی و به تبع آن هیچ استدلالی به ضرر حقوق شهروندان قابل پذیرش و توجیه نخواهد بود. معقولیت می‌بایست در خدمت منافع شهروندان و تامین

نیازهای آنان باشد. شاید مهمترین بعد رابطه بین تصمیم گیرندگان اداری و کسانی که تحت تأثیر تصمیمات آنها قرار می گیرند، الزام مقامات دولتی به رعایت قواعد عدالت طبیعی است که معمولاً به عنوان وظیفه رفتار منصفانه از آن یاد می شود (Sossin, 2002: 64). انصاف عین عدالت و مطابق عدالت است اما نه مطابق عدالت مبتنی بر قانون (حائری، ۱۳۹۴: ۷۷). انصاف وظیفه تکمیل و تصحیح قانون را بر عهده دارد. قانون جوابگوی همه مسائل نیست. قبال قانون سرتاسر قامت روابط بشری را نمی پوشاند (موحد، ۱۳۸۱: ۹۶). و لاجرم در این موارد انصاف در اولویت قرار خواهد گرفت. تعادل در تصمیمات در ارتباط مستقیمی با رفتار منصفانه مقامات اداری دارد.

تعادل در تصمیمات، مفهوم تناسب را متبادر به ذهن می سازد. ماده ۵۲ منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا در خصوص اصل تناسب چنین اشعار نموده: «هرگونه محدودیت وارد بر اعمال حقها و آزادیهای مورد شناسایی توسط این منشور با پیش بینی قانون و با احترام به جوهره این حقوق و آزادیها و فقط در صورتی که برای دستیابی به اهداف منافع عمومی شناسایی شده توسط اتحادیه و یا حمایت از حقها و آزادیهای دیگران ضروری است، ایجاد گردند». قانون اروپایی رفتار خوب اداری تناسب را به عنوان یکی از اصول خود تعریف نموده است. این تعریف را می توان به عنوان یک تعریف جامع و مانع برای تناسب در نظر گرفت. ماده ۶ قانون مزبور چنین بیان می دارد: «۱- کارمند باید در هنگام اتخاذ تصمیم مراقبت نماید که اقدامات اعمال شده با هدف مورد تعقیب، متناسب باشد. به ویژه مقام اداری باید از محدود کردن حقهای شهروندان یا تحمیل هزینه بر آنها هنگامی که این محدودیتها یا هزینهها در یک ارتباط معقول با اهداف مورد تعقیب قرار ندارند، بپرهیزد. ۲- کارمندان در هنگام اتخاذ تصمیم باید یک توازن منصفانه میان منافع اشخاص خصوصی و منافع عمومی ایجاد نمایند». با این حال ایجاد تعادل با لحاظ درجه اهمیت دلایل در یک تصمیم و چینش آنها به روش معقول موجب تولد اصل تناسب خواهد شد (Della Cananea, 2009: 299).

در تصمیمات شورای عالی فضای مجازی، تنها در صورتی یک اقدام ضروری تشخیص داده می شود که ارزیابی نماید، آیا باری که شهروندان از تصمیم اداره متحمل می شوند با اهدافی که شورا از طریق همان اقدام دنبال می نماید در تناسب قرار دارد؟ مرکز ملی فضای مجازی کشور برای نیل به اهدافی که طبق مواد ۲ و ۳ اساسنامه علی الخصوص در مواردی همچون تامین امنیت فضای مجازی، صیانت از زیر ساخت های حیاتی، مقابله با حملات سایبری، نظارت و ارزیابی در همه ابعاد فضای مجازی کشور بر عهده دارد، نیازمند تصمیماتی است که بر حقوق بنیادین افراد در فضای مجازی تأثیر گذارند. بنابراین تصمیماتی از این دست می بایست با توجه به میزان اهمیت و تأثیر آن اتخاذ گردد. نباید به بهانه تامین امنیت فضای مجازی یا مقابله با حملات سایبری تصمیماتی بیش از حد لازم که موجب تخدیش حقوق ذینفعان می گردد، اتخاذ شود. در صورت متناسب بودن تصمیم و ارائه دلایل آن، تصمیم گرفته شده با اعتراض کمتری مواجه شده و با سهولت بیشتری به اجرا در می آید و این امر در نهایت موجب رضایت شهروندان و مشارکت آنان می شود.

نتیجه گیری

شورای عالی فضای مجازی به عنوان نهاد اداری مسئول در بخش فضای مجازی کشور با توجه به حکم تاسیس آن می بایست در راستای سرمایه گذاری وسیع و هدفمند در جهت بهره گیری حداکثری از فرصت ها در جهت پیشرفت همه جانبه کشور و ارائه خدمات گسترده و مفید به اقشار گوناگون مردم در زمینه فضای مجازی فعالیت نماید. لذا تصمیمات این شورا به دلیل تاثیری که در حقوق و آزادی های مردم در ارتباط با فضای مجازی دارد از اهمیت وافری برخوردار می باشد. از این رو توجه به اصول نوین حقوق اداری از جمله اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری که در جهت حمایت از شهروندان در مقابل قدرت اداره ایجاد شده اند، امری مهم به شمار می آید. در این راستا با بررسی های به عمل آمده مشخص گردید، اصل حاکمیت قانون به عنوان مهم ترین اصل مرتبط با این حوزه به طور نسبی در مصوبات شورا رعایت می گردد. به علاوه به دلیل عدم پیش بینی مرجع اعتراض اداری از تصمیمات شورا، حق دفاع نیز با خلاء جدی مواجه می باشد. اصل شفافیت نیز علیرغم پیش بینی ابلاغ مصوبات شورا و انتشار آن در روزنامه رسمی کشور به دلیل صلاحیت دبیر شورا در خصوص تشخیص انتشار یا عدم انتشار مصوبات با موانعی روبروست. از سوی دیگر اگرچه عنصر ارائه دلایل موثر با توجه به استناد عمده مصوبات شورا به حکم تشکیل شورا، آئین نامه داخلی شورا و اساس نامه مرکز ملی فضای مجازی تا حد قابل قبولی مورد توجه قرار گرفته است اما عنصر ارائه دلایل منطقی در تصمیمات شورا به شدت مغفول مانده است. در نهایت نباید فراموش نمود که اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری و اعمال آن در مصوبات شورای عالی فضای مجازی قانون مند شدن بیشتر این مصوبات، افزایش سطح کیفیت تصمیمات و پذیرش و رضایت شهروندان را در پی خواهد داشت. بر این اساس و با لحاظ شواهد عینی و تحلیل و تبیین موضوع به نظر می رسد پیشنهادات زیر در خصوص بهبود ارائه دلایل تصمیمات اداری در شورای عالی فضای مجازی مفید فایده باشد:

یکی از پیشنهادات کلیدی می تواند تقویت و الزام شورای عالی فضای مجازی به ارائه دلایل واضح و مستند در خصوص تصمیمات اتخاذ شده باشد. این امر می تواند اعتماد عمومی را افزایش داده و مانع از برداشت های نادرست یا سوء تفاهم ها نسبت به اهداف و نتایج تصمیمات گردد. پیشنهاد می شود شورای عالی فضای مجازی یک سامانه شفاف و عمومی برای انتشار دلایل تصمیمات خود به صورت مستمر راه اندازی کند. هر چند تصمیمات شورا در حال حاضر در دسترس است اما این سامانه باید نه تنها تصمیمات نهایی بلکه فرایندها و مشورت های منجر به این تصمیمات را نیز در اختیار عموم قرار دهد. این اقدام می تواند به نهادهای سازنده اصلی پاسخگویی و تقویت نظارت عمومی کمک کند. ایجاد چارچوبی قانونی یا مقرراتی وضع شود که شورا را به ارائه دلایل در زمان اعلام تصمیمات ملزم کند. این الزام قانونی می تواند اطمینان حاصل کند که هیچ تصمیم مهمی بدون ارائه دلایل مستند و منطقی به اجرا گذاشته نخواهد شد. لازم است تلاش های بیشتری برای تقویت فرهنگ پاسخگویی در میان مسئولان شورای عالی فضای مجازی و دیگر نهادهای تصمیم گیر انجام شود. این موضوع می تواند با برگزاری دوره های آموزشی، تدوین دستورالعمل های داخلی و فراهم کردن بستری برای نظارت عمومی و بازخواست مدیران تقویت شود. چنان که بررسی تطبیقی با دیگر نظام های حقوقی انجام شود و از تجربه های موفق سایر کشورها در حوزه لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری استفاده شود. این مطالعه می تواند به عنوان الگویی برای بهبود رویه های فعلی در شورای عالی فضای مجازی مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

۱. آقایی طوق، مسلم، لطفی، حسن. (۱۴۰۱). *حقوق اداری*، تهران، سهامی انتشار.
۲. آگاه، وحید، درخشان، داور. (۱۳۹۸). «عرف اساسی حل اختلاف یا حل معضل نظام، واکاوی جایگاه احکام حکومتی در حقوق اساسی ایران با تاکید بر مطالعه موردی»، مجموعه مقالات اصول نانوشته قانون اساسی، قم، انتشارات دارالعلم.
۳. اسماعیلی، محسن. (۱۳۸۲). «جایگاه سیاست‌های کلی در نظام قانون‌گذاری ایران»، مجموعه مقالات همایش یکصدمین سال قانون‌گذاری، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۴. انصاری، باقر، الوند نژاد، روح‌الله. (۱۳۹۹). «ماهیت و جایگاه نهاد تنظیم مقررات در حوزه فضای مجازی در ایران»، آموزه‌های حقوقی گواه، دوره ششم، شماره اول.
۵. پیرنیا، کوثر، ابریشمی راد، محمدامین. (۱۴۰۱). «نظارت بر مصوبات شورای عالی فضای مجازی در نظام حقوقی ایران»، پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره پنجم، شماره هفدهم.
۶. جلالی، محمد، سازگاری، صادق. (۱۳۹۹). «پایبندی نهادهای سیاست‌گذار به حدود مفهومی سیاست با نگاهی به امکان سنجی نظارت قضایی بر آن (مطالعه موردی شوراهای عالی انقلاب فرهنگی و فضای مجازی)». فصل‌نامه حقوق اداری، دوره ۲۴ شماره ۸.
۷. حاجی‌پورکندرد، علی، عظیم‌زاده، سعید. (۱۴۰۲). «گردش آزاد اطلاعات و تداخل صلاحیت‌ها در رویه شورای عالی فضای مجازی»، مطالعات حقوقی فضای، دوره دوم، شماره چهارم.
۸. حائری، عبدالهادی. (۱۳۹۴). *نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب*، چاپ ششم، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۹. درویشوند، ابوالفضل. (۱۴۰۲). «صلاحیت هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به شکایت از مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی»، دوره چهارم، شماره دو.
۱۰. رحمانی، زهره. (۱۳۹۹). «مطالعه تطبیقی حق اداره خوب در کد اروپایی رفتار خوب اداری و نظام حقوقی ایران با تاکید بر دو اصل قانونی بودن و تناسب»، فصل‌نامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، تابستان ۱۳۹۹، شماره سوم.
۱۱. رضایی‌زاده، محمدجواد و فرامرز عطریان. (۱۳۹۳). «اصل الزام به ارائه دلایل تصمیمات اداری در پرتو مفهوم اداره خوب: مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا»، فصل‌نامه دانش حقوق عمومی، دوره سوم شماره دهم.
۱۲. صالح احمدی، سعید. (۱۴۰۲). *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در نظم حقوقی کنونی*، تهران، کتاب آوا.
۱۳. طباطبائی، سید محمدحسن. (۱۳۴۱). *بحثی درباره مرجعیت و روحانیت*، تهران، سهامی انتشار.
۱۴. عطریان، فرامرز. (۱۳۹۶). *حقوق اداری تطبیقی، اداره خوب، مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا*، تهران، میزان.
۱۵. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۶)، *جایگاه حقوق اسلامی در نظم حقوقی، مجله حقوقی دادگستر*، شماره ۲۱.
۱۶. گرجی، علی ا. کبر. (۱۳۸۷). «حاکمیت قانون و محدودیت‌های حق خواهی در دیوان عدالت اداری»، فصل‌نامه حقوق اساسی، دوره هفتم، شماره نه.
۱۷. موحد، محمدعلی. (۱۳۸۱). *در هوای حق و عدالت*، تهران: نشر کارنامه.
۱۸. موسی‌زاده، ابراهیم. (۱۳۸۷). «تاملی در مفهوم، ماهیت و جایگاه حقوقی سیاست‌های کلی نظام»، فقه و حقوق، دوره پنجم، شماره هفدهم.
۱۹. هاشمی، سید محمد. (۱۴۰۰). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، میزان.
۲۰. هاشمی، سیدمحمد. (۱۳۹۱). *حقوق بشر و آزادی‌های عمومی*، تهران، میزان.
۲۱. هداوند، مهدی. (۱۳۹۱). *حقوق اداری تطبیقی*، جلد دوم، تهران، سمت.
۲۲. هداوند، مهدی، مهدی، علی. (۱۳۹۵). *اصول حقوق اداری*، تهران، خرسندی.

23. Bell, J, (2019) " Reason-Giving in Administrative Law: Where are We and Why have the Courts not Embraced the 'General Common Law Duty to Give easons'?", The Modern Law review, 82.
24. Criag, P. (1994)." The Common Law, Reasons and Administrative Justice", Cambridge Law Journal, 53.
25. Della Cananea, G. (2009). "Reasonableness in Administrative Law", Reasonableness and Law, 86.
26. Farulla, A. (2006). *Reaasonableness, Rationality and Proportionality, Australian Administrative Law, Fundamentals, Principles and Doctrines*. London: Cambridge University Press.
27. Hart ely, J. (1970)."Legislative and Administrative Motivation in Constitutional Law", The Yale Law Journal, 79.
28. Hillebrand, J,(2018) "The Right to be Heard in European Union Law and The International Minimum Standard Due Process, Transparency and the Rule of Law", Cerim Online Paper Series,6.
29. L. Mashaw, J. (2021). *The Accountability of Expertise*" 1ndEd, Paris: Routledge.
30. Ryan, M, Foster,S. (2023). *Unlocking Constitutional and Administrative Law*.5ndEd.London: Routledge.
31. Mac Cormick, N. (2005). *Rhetoric and the Rule of Law*. London: Oxford University Press.
32. Sossin, L. (2002). "An Intimate Approach to Fairness, Impartiality and Reasonableness in Administrative Law", Queen's Law Journal, 28.
33. Stein, R. (2009). "Rule of Law: what does it mean?", The Minnesota Journal of Int'l Law, 18.
34. Stott, David, Alexandra, Felix, (1997) *Principles of Administrative Law*, London: Cavendish Publishing Limited.
35. Wilberg, Hanna, (2019). *Judicial Review of Administrative Reasoning Processes*. London: Oxford.